

# پخش پخش به سرگذشت از رسانه ملی



با عرض سلام و خسته نباشید خدمت  
سر دبیر محترم نشریه فخیم «مقام  
موسیقی» جناب آقای مهدوی.

مستحضرید که امروزه دو نوع اندیشه  
افراطی و تفریطی درباره روند پخش  
موسیقی از رسانه ملی وجود دارد.  
گروهی هر آنچه از این رسانه پخش می‌شود را «آزادی  
اشکال» می‌دانند و گروهی همه را «مجاز و مطلوب» گروه  
نخست با تعمیم اندیشه خود در صدد تضعیف رهبری انقلاب  
- مستقیم یا غیر مستقیم - بر آمده‌اند و گروه دوم همه  
نارساییها و کژیهای این رسانه را بر کرده رهبری انداخته  
و نظارت رهبری را به نوعی توجیه‌گر اعمال و مواضع خود  
قرار داده‌اند.

مقاله حاضر نیم‌نگاهی دارد به روند پخش موسیقی از صدا  
و سیما جمهوری اسلامی ایران، با عنایت به آرای امام  
زاحل و نیز رهبر انقلاب، این مقال در پی راه معقولی است  
که امروزه کمتر به آن تأکید می‌شود. لذا با تقدیر از زحمات  
جناب‌عالی و همکاران زحمتکش شما در آن مجموعه  
فرهنگی، تقاضا دارم مقاله حاضر، در آن نشریه وزین، چاپ  
گردد.

با احترام حسن مولادوست  
حوزه علمیه قم  
۸۴/۷/۲۴

## پیش از انقلاب اسلامی

از جهل و ناآگاهی یک ملت چه کسی سود می‌برد؟ روشن است که برای  
حکومت‌های چپ‌ولگر، بی‌خبر نگه داشتن مردم از سرمایه‌های بالقوه و  
بالفعل خود، بهترین و کم‌خطرترین راه برای تاراج سرمایه‌هاست. لذا در  
مقاطع مختلف تاریخ، حکومت‌های جائز، ابزار «تخدير» را برای رسیدن به  
این هدف به کار می‌گرفته‌اند که یکی از آنها «موسیقی» بوده است.

«نباید دستگاه تلویزیون جوری باشد که ده ساعت موسیقی بخوانند،  
جوانی که نیرومند هست از نیرومندی برگرداند به یک حال خمار و به  
یک حال خلسه، مثل همان تریاک می‌ماند. این هم این قدر با او فرق  
ندارد. این یک جور خلسه می‌آورد و آن یک جور خلسه می‌آورد»<sup>۱</sup> «یک  
وقتی بود که در تهران من گاهی از خیابان عبور می‌کردم، همین طور  
که آدم می‌رفت، موسیقی بود. در تمام دکانها صدای موسیقی که پخش  
می‌شد، همین طور تا آخر موسیقی بود، این مغز را این طور متزلزل  
می‌کردند. حواس را می‌بردند دنبال این مسائل که مبادا راجع به آن  
مسائلی که مربوط است به زندگی‌شان، مربوط به مسائل انسانی‌شان  
هست، مربوط به استقلال مملکتشان است مبادا متوجه به او بشوند و  
همین طور هم هست»<sup>۲</sup>

ولی آیا رواج این گونه موسیقی و این گونه موسیقاها! آن هم با آن  
وسعت، قضیه‌ای عادی یا طبیعی بوده است؟ امام خمینی (ره) می‌فرماید:  
«تمام این وسائلی که حالا این بعضی‌اش بود و الی ما شاء الله وسایل  
درست کرده بودند، همه برای خاطر این بود که ملت را از مقدرات خودش  
غافل کند و متوجه به جهات دیگر نکند، منحرف کند او را از مسائل روز  
که مبادا مزاحمش بشود. این برنامه مفصلی بوده است که طرح شده، نه  
این است که من باب اتفاق، مثلا این مسائل واقع شده. نخیر. این یک

## پیش از آمد

یک وقتی بود که در تهران من گاهی از خیابان عبور می‌کردم،  
همین طور که آدم می‌رفت، موسیقی بود. در تمام دکانها صدای  
موسیقی پخش می‌شد، همین طور تا آخر موسیقی بود، این مغز را  
این طور متزلزل می‌کردند. حواس را می‌بردند دنبال این مسائل که  
مبادا راجع به آن مسائلی که مربوط است به زندگی‌شان، مربوط به  
مسائل انسانی‌شان هست، مربوط به استقلال مملکتشان است مبادا  
متوجه به او بشوند و همین طور هم هست.

گوش دادن به موسیقی در نگاه نخست جزء آن قسمت از حوزه  
خصوصی شهروندی است که حاکمان حق ورود به آن حریم را  
ندارند! لذا می‌توان از بحث و سخن پیرامون آن چشم پوشید.  
ولی در جامعه‌ای که حکومتی بر اساس مبانی دینی بر سر کار  
است، حاکمیت متعهد نمی‌تواند - و نباید - نسبت به این امر مهم  
بی‌تفاوت بوده و این عرصه تأثیرگذار را به حال خود واگذارد. در  
چنین شرایطی بحث از خصوصیات موسیقی و حریمهای «باید و  
نباید» آن به یک ضرورت بدل می‌گردد و به همین دلیل هم بحث  
از موسیقی در طول این سالها به یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین  
عرصه‌های فقه حکومتی تبدیل شده و حرف و سخن درباره آن به  
این سادگی به سرانجام نمی‌رسد. لذا شایسته اهل نظر است که  
درباره موضوعاتی چون پخش موسیقی از صدا و سیما، گوش دادن  
به موسیقی (با کلام یا بی‌کلام)، آموزش و ترویج موسیقی، اجرای  
کنسرت‌های زنده موسیقی، مجوز قانونی برای کاستها و لوحهای  
فشرده موسیقی، خرید و فروش آلات موسیقی، موسیقی محلی و  
فولکلور و کلاسیک و سنتی و آوازی و سازی اظهار نظر نمایند تا  
بلکه در نهایت به راهکارهای قانونی و مشخصی دست یافته و عرصه  
موسیقی را از هرج و مرج در تصمیم‌گیری و اعمال سلیقه‌های  
شخصی و گروهی خلاص نمایند.

در این مقال نگاهی گذرا داریم به سیر پخش موسیقی از صدا و  
سیما جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرای بنیان‌گذار کبیر  
انقلاب که در دهه اول انقلاب، آرای ایشان در اکثر عرصه‌ها و در  
حوزه موسیقی نیز به حق، فصل الخطاب دستگاههای مربوطه  
بوده است. تلاش ما بر این خواهد بود که بدون ورود به حیطة  
کارشناسی فقهی سخن را پیش ببریم و به جز در بخشی گذرا -  
که ضرورت بحث ایجاب می‌کند- مبانی اجتهادی بحث را به محل  
خود واگذاریم.

طرح‌هایی است که آنهایی که طراح هستند، طرح کردند که این جوانها را به تباهی بکشند.<sup>۴</sup>

### روزهای آغازین پیروزی انقلاب

برخی از تحفه‌های نامیمون حکومت طاغوت ناچار به انقلاب اسلامی ارث می‌رسد که «موسیقی فاسد» از آنهاست. فضای رسانه‌ای و فرهنگی دوران انقلاب از سوی با آرشویی مملو از موسیقیهای محرک (با مضامین فاسد) روبه‌رو می‌شود و از سوی حکومت طاغوت، نسلی عادت کرده به موسیقی پرورده است که این دو پس از انقلاب بایست سریعاً علاج گردد. اینجاست که بنیان‌گذار کبیر انقلاب، تنها درمان را در ریشه‌کنی تمام‌عیار موسیقی از صدا و سیما می‌داند و به حذف کامل هر نوع موسیقی نظر دارند. ایشان این کار را - که هرگز تحقق نیافت - نشانه‌ی علاقه‌ی مسئولان به اسلام، کشور و ملت می‌شمارد: «اگر شما علاقه دارید به اسلام، علاقه دارید به کشور، علاقه دارید به ملت خودتان ... این دستگاه را اصلاحش کنید. یعنی غربی نباشید. غرب‌زده نباشید که حتماً باید بین این خبر و این خبر، موسیقی باشد. این غرب‌زدگی است. یک طرح دیگری درست کنید. یک چیز دیگری. اخبار را زیادترش کنید. یک کارهایی بکنید که موسیقی را ترکش کنید.»<sup>۵</sup> «این موسیقی را حذفش کنید به کلی عوض این یک چیزی بگذارید، آموزنده باشد.» «موسیقی را حذف کنید. نترسید از اینکه به شما بگویند که ما موسیقی را که حذف کردیم، کهنه‌پرست شدیم؛ باشد ما کهنه‌پرستیم! از این نترسید. همین کلمات، نقشه است برای اینکه شماها را از کار جدی عقب بزنند.»<sup>۶</sup> ایشان در تبیین این نکته می‌فرماید: «موسیقی خراب می‌کند دماغ بچه‌های ما را؛ مغز بچه‌های ما را فاسد می‌کند. دائماً تو گوش یک جوان، موسیقی باشد این دیگر به کار نمی‌رسد. این دیگر نمی‌تواند فکر جدی بکند.» «مسائل تلویزیون و رادیو مسائل جدی باید باشد نه مسائل هزل! مسائل موسیقی مسائل هزل است نه مسائل جدی. شما باید مسائلتان مسائل جدی باشد. شما می‌خواهید یک مملکت درست بکنید. کسی که می‌خواهد مملکت درست کند با مسائلتش جدی باشد نه مسائل شوخی و هزل ... اگر چنانچه فرض کنید که یک چیزی باید باشد، «مارش» باشد که ضایع نکند، تقویت بکند نه موسیقی باشد که خراب می‌کند جوانهای ما را، خدا می‌داند که خراب می‌کند!»<sup>۷</sup>

در ماه‌های نخست انقلاب، امام به خاطر اهمیتی که بر این موضوع قائل‌اند در چهار دیدار جداگانه و در روزهای ۲۸ و ۳۰ تیرماه و با فاصله اندکی در سوم مرداد سال ۱۳۵۸، به طرح این مسئله می‌پردازند. ایشان در دیدار کارکنان بخش مالی و تولید صدا و سیما، کارکنان رادیو دریا، دانشجویان دانشکده بابل و نیز دانشجویان کاشان با شرح انگیزه‌های استعماری در رواج موسیقی و آثار سوء آن بر ذهن جوانان، به صراحت از فرامین خصوصی خود برای حذف موسیقی از صدا و سیما پرده برمی‌دارند: «مکرر من گفته‌ام؛ شاید تا حالا ده مرتبه بیشتر من به آقای قطب‌زاده (سرپرست وقت سازمان صدا و سیما) جمهوری اسلامی ایران) گفته‌ام که آقا این را بردارید از آن، می‌گوید نمی‌شود. من نمی‌دانم این «نمی‌شود» یعنی چه؟ چرا نمی‌شود؟ شما به عرض من گوش بکنید.»<sup>۸</sup>

مسئولان آن روز صدا و سیما گویا معتقد بودند که موسیقی اگر از رسانه ملی حذف شود، مردم به رسانه‌های غیر قانونی و غیر معمول رو می‌آورند. امام در پاسخ می‌گویند: «اینکه می‌گویند که اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشد آنها می‌روند از جای دیگر می‌گیرند موسیقی را، بگذار بگیرند از جای دیگر؛ شما عجلتان آلوده نباشید. آنها هم کم‌کم برمی‌گردند به اینجا. این عذر نیست که اگر موسیقی در رادیو نباشد، آنها می‌روند از جای دیگر موسیقی می‌گیرند. حالا اگر از جای دیگر موسیقی بگیرند ما باید به آنها

موسیقی بدهیم؛ ما باید خیانت بکنیم؟ این خیانت است به یک مملکتی. خیانت است به جوانهای ما»<sup>۹</sup> از دیگر سو رویکرد مردم به «جاهای دیگر» - در صورت حذف موسیقی از رسانه ملی - نشانگر این واقعیت هم هست که مردم به شدت معتاد موسیقی‌اند. اما آیا این عادت قابل تغییر است؟ امام به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهند. «کم‌کم مردم را و جوانهای ما را عادت به آموزندگی بدهید. از آن عادت خبیثی که داشتند برگردانید. اینکه می‌بینید که جوانها اگر این نبود، می‌روند سراغ موسیقی دیگر برای اینکه عادت کردند، این شاهد بر این است که جوانهای ما فاسد شدند. الان ما موظفیم که این نسلی که فاسد شده، برگردانیم به صلاح و نگذاریم این کوچکهای ما فاسد بشوند. اینها را جلویش را بگیریم.»<sup>۱۰</sup>

تذکرهاي امام جدی گرفته نمی‌شود و ادامه این غفلت - یا تعافل! - منجر به نامه‌ی خصوصی امام (ره) به صدا و سیما می‌شود که گویا رنگ و بوی حکم حکومتی نیز دارد. این نامه اما هیچ‌گاه به دست مسئولان رسانه ملی نمی‌رسد. حجت‌الاسلام و المسلمین رفسنجانی می‌گوید: «امام راحل آن اوایل از اینکه موسیقی، زیاد از صدا و سیما پخش شود ناراحت می‌شدند. یک بار حاج احمد آقا به من تلفن کرد و گفت: آقا عصبانی هستند و یک چیزی نوشته‌اند که بدهیم به صدا و سیما خوانده شود تا در صدا و سیما مطلقاً موسیقی پخش نشود. به من گفت: شما فکری بکنید با آقای بهشتی و آقایان دیگر به اینجا بیایید و امام را قانع کنید که این به مصلحت نیست.»<sup>۱۱</sup> پس از این تماس تلفنی برخی سران نظام در حضور امام، ایشان را قانع می‌کنند که پخش این نامه به مصلحت نیست و امام نیز نظر آنان را می‌پذیرند و پخش موسیقی از صدا و سیما با محدودیت‌هایی ادامه می‌یابد.

### سرود «جمهوری اسلامی»

روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ گروهی از اعضای تیم ملی و هیئت وزنه‌برداری تهران به محضر امام شرفیاب می‌شوند. در این دیدار پس از سخنان امام، در حالی که حاضران به گفت‌وگویی صمیمی با امام مشغول‌اند، یکی از حاضران به اصرار می‌خواهد که سرود ملی ایران عوض شود. امام می‌فرماید: «پیش‌تر همه چیز وابسته به غیر بود، به انگلستان به آمریکا، حالا باید با همت همه، همه [امور] از وابستگی در آید. سرود شاهنشاهی دیگر نمی‌تواند باشد. تمام شد دیگر، سرود «جمهوری اسلامی» باید باشد.»<sup>۱۲</sup>

### سرود «شهد مطهر»

شاید نخستین چالش درباره‌ی مصداق موسیقی در صدا و سیما، پخش سرود «شهد مطهر» (به مناسبت شهادت آیت الله مطهری) با صدای محمدعلی گلریز باشد. «دفعه اول که سرود آقای مطهری پخش شد، امام [در محله] در بند بودند که بعد از آنجا به اینجا (جماران) آمدند. ما دیدیم امام دارند به سرود آقای مطهری گوش می‌دهند و در حال خوردن چیزی هم بودند که می‌دیدیم دستشان می‌رزد و خیلی هم تحت تأثیر واقع شده بودند. بعداً زمزمه شد که امام گفته‌اند سرود آقای مطهری حرام است! امام در همین خانه روی صندلی نشسته بودند، آقای آمدند گفتند: این سرود اشکال دارد؟ امام گفتند: اشکال ندارد. فردای آن روز گروهی از رادیو و تلویزیون آمده بودند اینجا، از امام همین سؤال را کردند. آقا گفتند: سرود آقای مطهری اشکال ندارد. آنها هم همین سخن امام را اول خیر گذاشتند و پخش کردند ... مدتی طولانی گذشت. من به امام گفتم که در مورد سرود آقای مطهری شایع شده است که شما این سرود را تأیید نمی‌کنید لذا اگر موافق هستید، وقتی خانواده آقای مطهری به اینجا می‌آیند (که قرار بود همان روزها بیایند) سرود را پیش شما بگذاریم. امام گفتند: ایرادی ندارد، بگذارید. که ما آن سرود را گذاشتیم و به شایعات



خاتمه دادیم. امام این سرود را خیلی دوست داشتند و هر وقت که رادیو این سرود را می‌گذاشت گوش می‌دادند و متأثر می‌شدند.<sup>۱۴</sup>

### دوران جنگ تحمیلی

هر چه از سالهای آغازین انقلاب فاصله می‌گیریم، جو غالب موسیقی حرام و فاسد کمتر می‌شود و سرودهایی با حال و هوای انقلابی و حماسی تولید می‌گردد. امام امت در این مقطع با مشاهده این رشد محتوایی، بخش موسیقیهای حماسی و مهیج انقلابی از صدا و سیما را تأیید می‌کنند.<sup>۱۵</sup> رضایت ایشان اما از رسانه ملی «نسبی» است. «باز هم این را تکرار می‌کنم که موسیقیها باز کمی هستند. باید اشخاصی که مطلع‌اند اینها موسیقی هستند مشاهده کنند ببینند اگر یک چیزی را می‌بینید موسیقی‌اش را نمی‌توانید رد کنید، اصلش را رد کنید» با کمی تأمل روشن می‌شود که امام دیگر در این زمان نه بر حذف همه نوع موسیقی بلکه بر «تفکیک» موسیقی حلال از حرام و حذف هر گونه «موسیقی حرام» تأکید می‌ورزند. آنجا که می‌فرمایند: «... باید اشخاصی که مطلع‌اند اینها موسیقی هستند... واضح است که برای تشخیص «موسیقی از غیر موسیقی» نیازی به شخص مطلع نیست و هر فرد عامی هم توانایی درک این تفاوت را دارد. پس نظر حضرت امام، تشخیص و جداسازی «موسیقی حرام از موسیقی حلال» است که نیازمند افراد مطلع و کارشناس می‌باشد. «باز هم تکرار می‌کنم که موسیقیها، باز کمی هستند. باید اشخاصی که مطلع‌اند اینها موسیقی هستند، مشاهده کنند ببینند اگر یک چیزی را می‌بینید موسیقی‌اش را نمی‌توانید رد کنید، اصلش را رد کنید آقای محمد هاشمی (مدیر عامل صدا و سیما): منظور غنا است؟» همان را می‌گویم. اگر موسیقی حرام باشد. آن چیزهایی که راجع به جنگ است اینها چیزی نیستند. آقای محمد هاشمی: سرودها؟ بله، اینها چیزی نیستند. اما گاهی هم هست که غناست.»<sup>۱۶</sup>

### مبنای فقهی امام خمینی (ره) در بحث موسیقی

در میان صاحب‌نظران درباره «غنا و موسیقی» اتفاق نظری وجود ندارد به طوری که بحث در این حوزه فقهی اندکی دشوار و لغزنده است. ما در این مختصر نگاهی که بر سیر کلی اندیشه فقهی امام (ره) می‌اندازیم و بررسی جزعه‌جمله نظرات ایشان را به مجالی فراجتر حواله می‌دهیم.

حضرت امام در مباحث اجتهادی‌شان، عرصه «غنا و موسیقی و لهو» را که معمولاً همانند انگاشته می‌شوند به تفکیک مورد بحث قرار داده و در کتاب ارزشمند «مکاسب محرّمه» خود به تفصیل طرح کرده‌اند. نظرات ایشان در این کتاب به مثابه فتوای فقهی ایشان نیز هست؛ چه ایشان بهره‌گیری کارشناسان از این مبحث برای ارائه فتوا به مردم را در جایی دیگر اجازه فرموده‌اند.<sup>۱۷</sup> ابتدا یاد می‌آوریم که در بین صاحبان رأی، دو دیدگاه کلی درباره «غنا» وجود دارد. دیدگاه نخست غنا را «ذاتاً» حرام نمی‌داند بلکه عوارض ضمیمه آن را منجر به حرام یا حلال شدن آن می‌شمارد. بنا بر این نظرگاه، «غنا» می‌تواند «حلال یا حرام» باشد.<sup>۱۸</sup> دیدگاه دیگر اما چیزی به نام «غنا حلال» را به رسمیت نمی‌شناسد. این گروه غنا را (با تعریفی که خود از آن دارد) «ذاتاً» حرام می‌داند و عوارض و ضمائم آن را خارج از موضوع بحث غنا تلقی می‌کند. امام در کتاب مکاسب خود از بین این دو نظر، دومی را می‌پذیرد. امام البته با هم‌رایان خود در نوع طرح بحث اختلافی دارند که مهم‌ترین آن، نوع برخورد با صاحبان اندیشه اول است. برخی از صاحبان رأی دوم، گروه اول را به خروج از نظر مسلم و اجماعی شیعه متهم می‌کردند ولی امام، مخالف این نوع برخورد هاست. ایشان با دفاع تمام‌عیار از «صاحبان اندیشه اول» - و نه خود اندیشه اول - تهمت «خروج از دین و مخالفت با اجماع شیعه» را بی‌اساس دانسته و از طراحان نظر نخست - فیض



کاشانی و محقق سبزواری - با تجلیل و بزرگی یاد می‌کند و آن گاه به ردّ دلایل نظر این بزرگواران پرداخته و در انتها، نظر دوم - تحریم ذاتی غنا - را ثابت می‌دانند. تعریف امام از غنا این گونه است: «غنا، صوت یا صدای نازک و رقیق انسان است که ذاتاً زیبا و فرخ‌بخش بوده و به خاطر تناسبی که دارد قابلیت ایجاد وجد و طرب در شنونده را دارا باشد.»<sup>۱۹</sup> ایشان «هر چیزی» را که در این قالب بگنجد، «حرام» می‌شمارند؛ حال آن «هر چیز» می‌تواند «مطالب شهوت‌زا» باشد یا «آیات قرآن». چون در نظرگاه ایشان، غنا از مقوله «صوت یا کیفیت» است نه «کلام و قول». لذا «غنا ذاتاً حرام است» نه اینکه با عوارض و مقارناتی حرام گردد.<sup>۲۰</sup> در پیدایش غنا فرقی نمی‌کند که از تصانیف مبتذل، هجویات و اباطیل و اشعار شورانگیز شهوت‌زا استفاده شود و یا قرآن و معارف الهی و قصاید عرفانی با صدای غنا خوانده شود.<sup>۲۱</sup> در تعریف امام از غنا دیدیم که ایشان «نازکی و دلنشینی و تناسب» را شرط غنا می‌دانند و فقدان این شرایط را نیز موجب خروج از موضوع غنا می‌شمارند. «اگر آوازخوان آشنا به فن موسیقی باشد و از نتها، فواصل، زیر و بمها و رموز آن آگاهی کافی داشته باشد ولی صدای نازک و دل‌نشینی نداشته باشد و به خاطر تخصصی که در فن موسیقی دارد چنان تناسبی در آواز خود به کار بگیرد که موجب طرب مستمعین گردد این صدا غنا نیست زیرا آن رقت و نازکی و لطافت را ندارد.» «غنا، صدای لطیف و نازک و رقیق طرب‌آور است که از تناسب آهنگ موسیقی بهره‌مند باشد و گرنه موجب غنا نمی‌شود پس صدای کشیده و ترجیع‌دار (چهارپرده‌دار) که «خشن و تناسب‌دار» باشد و یا «نازک و بدون تناسب» باشد، هر چند موجب طرب گردد، غنا نیست.» موارد اخیر به نظر امام (ره) نه از باب «غنا» که از باب «لهو» حرام‌اند. ایشان در ادامه بحث، مرز بین غنا و صدای زیبا و طبیعی را بدین‌سان تبیین می‌کنند: «بی‌شک، غنا - ابتدا - از عطایای خداوند نیست بلکه اکتسابی و یادگرفتنی است ولی صوت زیبا و صدای نیکو، خدادادی و از اعطای الهی است.»

«غنا حرام، پس از عصر امام سجاد (ع) در زمان هارون الرشید و دیگر خلفای بنی‌عباس رایج گردید و این اصطلاحات موسیقی از آن زمان به بعد گسترش یافت لذا بین صدای زیبا و صدای غنایی تفاوت بسیاری وجود دارد.» امام - مانند بیشتر فقها - معیار سنجش غنا را «عرف» می‌دانند «هلاک تشخیص غنا، بر عهده عرف است و عرف، آن است که بیشتر مردم (که آوازهای مختلف را شنیده‌اند) به راحتی غنا بودن صدا و آوازی را بیان کنند و از آن پرهیز نمایند.»<sup>۲۲</sup>

این مطالب مربوط است به مبنای فقهی امام (ره) در کتاب مکاسب ایشان که در سالهای پیش از انقلاب اسلامی به رشته تحریر در آمده اما نظرات فقهی امام در برخی موضوعات - و مشخصاً درباره موسیقی - با عنایت به فقه مترقی جواهری - در قبل و بعد از انقلاب شامل پویایی ویژه‌ای است: «این‌جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.»<sup>۲۳</sup>

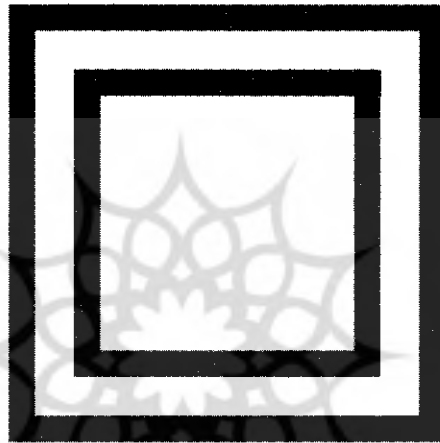
مرحوم حجت‌الاسلام سید احمد خمینی (ره) می‌گوید: «آقا [امام] اصلاً موسیقی قیل و بعد از انقلاب را دو چیز می‌دانند. یک روزی مقام رهبری، آقای هاشمی، آقای موسوی اردبیلی و آقای موسوی نخست‌وزیر و من، اینجا جلسه داشتیم که امام وارد شدند. تلویزیون یکی از آهنگهای شجریان را گذاشته بود. امام آمدند و نشستند. آقای هاشمی به امام گفتند: آقا، شما که قبلاً موسیقی را حرام می‌دانستید چرا الان حرام نمی‌دانید؟ امام گفتند: من الان هم همین موسیقی را اگر از رادیوی عربستان بخش شود، حرام می‌دانم. من خبر رادیوی شاه را هم حرام می‌دانستم موسیقی‌اش

که جای خود دارد. اما همین موسیقی از نظام اسلامی پخش می‌شود و حلال است.<sup>۲۱</sup> این خاطره به گونه‌های مختلف تفسیر شده است. به نظر یکی از اساتید حوزه «دربارۀ نظرات حضرت امام نسبت به برنامه‌های صدا و سیما و در ارتباط با موسیقی باید تعمق کرد. ایشان جانب احتیاط و احکام اسلام را تسدیداً رعایت می‌فرمودند. معظم‌له بسیاری از صداها و سرودهای جاری در صدا و سیما جمهوری اسلامی را مضمول موسیقی حرام نمی‌دانستند جز موارد نادری که طبعاً غنا و مناسب مجالس لهو بوده است؛ پس پخش اعظم و غالب آن را فتوا به حلیت اولیه و ثانویه داده‌اند. اما موارد نادری را هم که حرام می‌دانستند از جانب حکم حاکم حلال می‌دانستند پس جمع بین این دو عبارت «مگر در موارد نادری حرام است.» «در اینجا حلال و در عربستان حرام است.» این می‌شود که اکثر موارد بر حسب فتوا حلال و موارد نادر بر حسب حکم حاکم حلال است.»<sup>۲۲</sup> این سخن اما خدشه‌پذیر است چرا که مرز مشخصی بین «موارد نادر» و «در اینجا حلال و در عربستان حلال» وجود ندارد و اساساً راهی برای اثبات این نکته وجود ندارد که آهنگ شجریان مذکور در خاطره از موارد نادری بوده که امام حکم به حرمت آن داشته‌اند و به واسطه حکم حکومتی حلال شده - یا از موارد حلالی که در ایران حلال و در عربستان حرام است. تحلیل بعدی این خاطره، این گونه است: «طبق این فرمایش امام، موسیقی غیر مطرب اهم بنا بر حکم ثانوی حرام می‌شود نه اینکه غنا در زمان طاغوت حرام و پس از انقلاب حلال شده. بلکه همان موسیقی حلال اگر در زمان شاه پخش می‌شد، حرام بود چون موسیقی به هر نحوی در عصر طاغوت در راستای تقویت نظام قرار می‌گرفت ... بنابراین موسیقی حلال تحت عنوان ثانوی اگر در راه ترویج ظلم و فساد و تقویت نظام ستمشاهی به کار رود حرام است نه اینکه حرام بوده و بعد

از انقلاب اسلامی حلال شده است.»<sup>۲۳</sup> مرحوم حاج سید احمد خمینی که خود، ناقل این اتفاق است می‌گوید: «من به ذهنم می‌آید که مسئله روابط اجتماعی، روابط بین حکومت و مردم و از این قبیل هم، در اینکه موسیقی حلال باشد یا نه، تأثیر دارد. چرا؟ چون امام در قضیه زمان و مکان آمدند گفتند: رابطه مثلاً یک جریان یا جریان دیگر موجب می‌شود یک چیز سومی حلال شود. این از چیزهایی است که متأسفانه آقایان به آن توجهی نکردند و دنبال حل آن نرفتند که وقتی امام می‌گویند روابط اجتماعی و سیاسی موجب می‌شود چیزی که در شرایطی حلال بوده حالا حرام می‌شود و یا بالعکس یعنی چه؟ اینجا دیگر استحالۀ نیست که مثلاً سگ، نمک شده باشد. بدون تغییر ظاهری موضوع، حکم خلاف حکم قبلی را پیدا می‌کند.»<sup>۲۴</sup> حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب نیز در این باره می‌فرماید: «حضرت امام نظرشان این است که "زمان و مکان" در استنباط، اثر می‌گذارد. یعنی موضوع را عوض می‌کند گرچه انسان فکر می‌کند موضوع ظاهراً همان است ولی موضوع تغییر یافته و در نتیجه حکمش تغییر می‌یابد. پس آنچه آن روز [در حکومت طاغوت] غنا بوده و حرام بوده، امروز غنا و حرام نیست.»<sup>۲۵</sup>

(به وسیله آقای اسماعیل فردوسی‌پور) نامه‌ای به امام (ره) می‌نویسند. نویسندگان این نامه، اعتراض گروهی از متدینین به پخش بعضی سرپالیا - نظیر پاییز صحرا - و نیز برنامه‌های ورزشی - مثل کشتی و شنا - و همچنین «موسیقیها و آهنگها» را به امام منتقل می‌کنند و از ایشان کسب تکلیف می‌نمایند. امام در پاسخ به این سؤال با عبارتی دور از انتظار پرسشگران می‌فرمایند: «نظر نمودن به این قبیل فیلمها و نمایشنامه‌ها هیچ یک اشکالی شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است و پخش آنها نیز اشکالی ندارد و همین طور فیلمهای ورزشی و آهنگها اکثراً بی‌اشکال است. گاهی خلاف، به طور نادر دیده می‌شود که باید بیش‌تر مواظبت کرد.»<sup>۲۶</sup> ولی این پاسخ در بحبوحه سالهای جنگ تحمیلی بازتاب چندانی نمی‌یابد.

فتوای نوزدهم شهریور ۱۳۶۷، اما، سرگذشت دیگری پیدا می‌کند. امام در این فتوا که در پاسخ به سؤالی درباره «خرید و فروش آلات لهو و لمب جهت استفاده‌های مشروع» صادر می‌گردد، تصریح می‌فرماید: «خرید و فروش آلات مشترکه به قصد منافع محله آن اشکال ندارد.»<sup>۲۷</sup> و نیز مرقوم می‌دارند: «شنیدن و نواختن موسیقی مطرب، حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد و خرید و فروش آلات مختص به لهو جایز نیست و در آلات مشترکه اشکال ندارد.»<sup>۲۸</sup> پخش این فتوا بازتاب فراوانی می‌یابد و در بین صاحب‌نظران به عنوان تبدلی در سیاست‌گذاری کلان موسیقی تلقی می‌گردد. بعدتر یکی از اعضای دفتر حضرت امام - حجت الاسلام محمدحسن قدیری - در نامه‌ای به امام می‌نویسد: «... روایت معتبره است از سکونی از حضرت صادق (ع) که قال: قال رسول الله (ص) آنهاکم عن الزفن و المزمار و عن الکویات و الکبرات ... زفن به معنای رقص است (مجمع البحرین)، مزار نامی است که مطلق «نی» را شامل می‌شود و نهی حضرت، حجت بر تحریم است مگر حجتی برخلاف باشد و هر دو دلیل اطلاق دارد. بنابراین استفاده می‌کنم که نی زدن حرام است. چه نی، آلت مختصه باشد یا مشترکه ... و دعوای انصاف، منشأ صحیحی می‌خواهد که به نظر نمی‌رسد و آنچه ممکن است گفته شود مثل غلبه یا آلیت در آن زمان، منشأ صحیح نیست و البته در حدّ خودم در ادله مخص و به مطالب حضرت عالی هم مراجعه نمودم، حجتی بر خلاف اطلاق مزبور نیافتم. ادله «میسر و لهو» تطبیق بر آلات، منافاتی با اطلاق ندارد و علت منصوصه‌ای هم در ادله نیست و در هر صورت اگر ساحت قدس حضرت عالی از این گونه مسائل به دور باشد به نظر من بهتر است و ضرورتی در نشر آنها دیده نمی‌شود.»<sup>۲۹</sup> امام خمینی (رض) در بخشی از پاسخ خود به این نامه می‌نویسند: «پس از عرض سلام و قبل از پرداختن به دو مورد سؤال و جواب، این جانب لازم است از برداشت جناب عالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسّف کنم ... و بالجمله آن گونه که جناب عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم، کوخ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند ... از جناب عالی که فرد تحصیل کرده و زحمت کشیده‌ای می‌باشید توقع نبود که این گونه برداشت کرده و آن را به اسلام نسبت دهید. شما خود می‌دانید که من به شما علاقه داشته و شما را مفید می‌دانم ولی شما را نصیحت پدران می‌کنم که سعی کنید، تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس‌نماها و آخوندهای بی‌سواد واقع نشوید، چرا که اگر بناست با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیتان نزد مقدس‌نماهای احمق و آخوندهای بی‌سواد صدمه‌ای بخورد، بگذار هر چه بیشتر بخورد.



### سالهای پایانی عمر شریف امام خمینی (ره)

موضوع «موسیقی» در سالهای پایانی عمر حضرت امام، با فراز و نشیب عجیبی روبه‌رو می‌شود. در سال ۱۳۶۶ اعضای سرپرستی صدا و سیما

از خداوند متعال، توفیق جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین چون گذشته خواهانم.<sup>۲۰</sup>

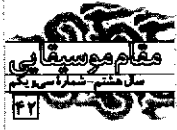
در فتوای اخیر حضرت امام (ره) مقوله تازه‌ای به نام «منافع محلله» دیده می‌شود. این سخن بدان معناست که در اینجا به نظر امام، «موسیقی» قابلیت استفاده در «منافع حلال» را دارد. در ضمن در فتاوی اخیر ایشان، عرصه‌هایی مثل «صدای مشکوک» و «آلات مشترکه» نیز مشاهده می‌شود که پیش‌تر به خاطر جو حاکم و غلبه فساد بر عرصه‌های هنری آن روز، در بحث مکاسب محرمه، سخنی از آنها نرفته بود. چرا که «موسیقی مشکوک و آلات مشترکه» زمانی قابل طرح است که «غلبه» با بهره‌های حلال باشد؛ حال آنکه در روزگار حکومت طاغوت این غلبه در استفاده حرام و فسادانگیز بود و بحث «موسیقی مشکوک و آلات مشترکه» بیهوده می‌نمود.

رهبر معظم انقلاب درباره فتوای مشهور امام راحل می‌فرماید: «مسئله غنا امروز محل بحث فقهی بین علماست اما در پاسخ یک سؤال حضرت امام مرقوم داشته بودند، بسیاری از اینها اشکالی ندارد. پس وقتی بسیاری اشکال ندارد و در مواردی شک کردید، به نظر می‌رسد که اصل بر برائت است و من تصور می‌کنم که در بسیاری از موارد، شبهه‌ای ندارد.»<sup>۲۱</sup>

### پس از رحلت رهبر معظم انقلاب

پس از رحلت حضرت روح الله و انتخاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی، ایشان نیز درباره سیاستگذاری پخش موسیقی از صدا و سیما، روش و دیدگاه امام امت را ادامه می‌دهند. رهبر فرزانه انقلاب با اشراف وسیع بر شاخه‌های مختلف هنری، اعتدال در پخش موسیقی را برنامه کاری صدا و سیما معرفی کرده و مثل امام راحل، هر گونه موسیقی مطرب و لهنوی را حرام می‌دانند و موسیقیهای مشکوک را بلامانع و جایز می‌شمارند.<sup>۲۲</sup> ایشان درباره برخی موسیقیها معتقدند: «دارند موسیقی را خراب و ضایع و تقلیدی می‌کنند. با صدای کلفت و بد، بنا می‌کنند یک شعر مزخرف و بی‌معنا را خواندن، باید جلوی اینها گرفته شود. چه فایده‌ای دارد؟ صرفاً برای اینکه یک نوع شباهتی به فلان خواننده فرنگی دارد - هر چند که الحمد لله بنده از آن هم خیلی اطلاع ندارم و نمی‌دانم چه شکلی است - ولی شباهت هم ندارد و می‌دانم تقلید است.»<sup>۲۳</sup> از توصیه‌های اکید رهبر انقلاب به هنرمندان ارائه «فاخر» هنرها و دوری از کارهای ناشایسته و غیر فنی است: «[هنرمندان] سعی کنند هنر، «فاخر» باشد یعنی باید اعتلای هنر، مد نظر باشد چون خصوصیت هنر این است که بایستی اعتلا داشته باشد تا آن مقصودی که از هنر مطلوب مورد نظر است به دست بیاید. حالا من در این زمینه از هنر موسیقی مثال می‌زنم. در سبزواری پیرمردی بود - که خدا بیامرزش - که ذاتش موسیقیدان بود و اتفاقاً یک منبری [خطیب] به همان شهر آمده بود که صدای خوشی داشت منتهی «دستگاه» بلد نبود. این پیرمرد می‌گفت: وقتی این آقا «خارج» می‌خواند، مثل این است که یک میخ در گوش من فرو می‌کنند! خوب، این چه هنری است؟! مگر انسان آواز می‌خواند که میخ در گوش مردم فرو کند؟! انسان آواز می‌خواند که مردم لذت ببرند. هم لذت ببرند هم در سایه این وسیله و ابزار، پیام (چون هنر، ابزار هم هست) و مطلبی منتقل شود. اما با این وضع منتقل نخواهد شد. وقتی رسا نبود، منتقل نمی‌شود.»<sup>۲۴</sup>

از دیگر بیانات رهبر معظم، اصلاح مستمر و تلاش پیگیر برای رسیدن به چهارچوبهای معقول در امر موسیقی است «اگر یک روز، موسیقی در همان چهارچوب درست و صحیح که هم به آهنگ ارتباط پیدا می‌کند، هم به کلام ... تأمین شد، به طوری که هم، آهنگ در یک چهارچوب صحیح و درست تربیت‌کننده و پیش‌برنده قرار داشته باشد هم، کلام؛



آن وقت اشکالی ندارد که با همان ابزار به قول شما موسیقی که به نظر تان مطلوب و خوب است، اجرا کنند اما متأسفانه هنوز این کارها انجام نگرفته و شناخته نشده است.»<sup>۲۵</sup> و در نهایت، ایشان اقدامات صدا و سیما را - که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شود - بدون اشتباه نمی‌دانند و پسوند «اسلامی» را دلیل بر حلال بودن تمامی آنچه از رسانه ملی پخش می‌شود، نمی‌شمارند.<sup>۲۶</sup> که به درستی اشاره‌ای است به «موارد نادر» که پیش‌تر در نظرگاه حضرت امام (ره) هم مشاهده شد. رهبر انقلاب وضع فعلی پخش موسیقی از صدا و سیما را «مطلوب و ایده‌آل» نمی‌دانند و در پاسخ به شکایت به پخش بعضی موسیقیها به شاکي می‌فرمایند: «من به سهم خودم تذکر می‌دهم اما شما خودتان هم باید تذکر بدهید. امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است.»<sup>۲۷</sup>

پی‌نوشت:

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۱۳۹ - ۱۴۳، فرمان هشت ماده‌ای. بند ششم: هیچ کس حق ندارد ... به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرز گناه، گوش کند ... تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کثرت بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشند.
۲. همان، ج ۹، ص ۲۰۴.
۳. همان، ص ۲۴۲.
۴. همان، ص ۲۰۰.
۵. همان، صص ۱۵۷ و ۱۵۸.
۶. همان، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.
۷. همان، صص ۱۵۷ و ۱۵۸.
۸. همان.
۹. همان، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.
۱۰. همان.
۱۱. مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۵، ص ۲۹.
۱۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۶۳.
۱۳. روزنامه کیهان، ۷۰/۲/۱۱، مصاحبه با حجت‌الاسلام سید احمد خمینی.
۱۴. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۴۰.
۱۵. همان، ج ۱۸، ص ۲۹۰.
۱۶. با به پای اقتاب، ج ۵، ص ۳۴، مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین عمید زنجانی.
۱۷. وجه تمایز این گروه با گروه دوم در تعریفشان از غناست که آن را «هر نوع خوش‌آوازی» می‌دانند و ظاهراً اختلاف در حرمت ذاتی یا غیر ذاتی غنا نیست.
۱۸. مکاسب محرمه، امام روح الله موسوی خمینی، ج ۱، صص ۲۰۲.
۱۹. نقل قولها و تفصیل بیشتر را در کتاب مکاسب محرمه امام خمینی، صص ۲۰۲ - ۲۲۴ ملاحظه فرمایید.
۲۰. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹.
۲۱. روزنامه کیهان، ۷۰/۲/۱۱.
۲۲. روزنامه رسالت، ۷۰/۵/۳۰، احمد آذری قمی.
۲۳. هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی، اکبر ایرانی، ص ۱۱۴.
۲۴. روزنامه کیهان، ۷۰/۲/۱۱.
۲۵. روزنامه رسالت، ۶۷/۱۲/۱۳.
۲۶. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۴۶.
۲۷. همان، ج ۲۱، ص ۱۲۹.
۲۸. استفتانات از امام خمینی، ج ۲، ص ۱۲.
۲۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۹.
۳۰. همان، ص ۱۵۱.
۳۱. روزنامه رسالت، ۶۷/۱۲/۱۳.
۳۲. اجوبه الاستفتانات، آیت الله سید علی خامنه‌ای، ج ۲، ص ۲۴.
۳۳. در دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر، ۸۲/۳/۵.
۳۴. همان.
۳۵. همان.
۳۶. روزنامه کیهان، ۸۲/۱۲/۹، مصاحبه با محسن جوادیان (از اعضای تیم حفاظتی بیت رهبری).
۳۷. همان.